



امیدها و تردیدهای آتش بس

به رغم خوش بینی میانجی‌ها چشم انداز روشنی برای پایان جنگ غزه وجود ندارد

**مجیدمحمد شریفی**استادیار روابط بین‌الملل
دانشگاه خوارزمی

مذاکرات برای دستیابی به توافقی بر سر آتش بس در غزه پس از هفته‌ها وقفه سرانجام طی دو روز در دوحه قطر برگزار شد. بنیان این مذاکرات، طرح پیشنهادی سه‌مرحله‌ای جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا بود که در تاریخ ۳۱ می ۲۰۲۴ (۱۱ خرداد ۱۴۰۳) عرضه و با قطننامه شورای امنیت سازمان ملل از آن حمایت شد. حضور مقامات عالی‌رتبه از سه کشور آمریکا، مصر و قطر در مقام دولت‌های میانجی و نمایندگانی از رژیم صهیونیستی گویای آن است که این دور از مذاکرات با فوریت بیشتر و برای حصول یک توافق نهایی انجام شده است. در مذاکرات دوحه ویلیام جی برنز، رئیس سازمان سیا و برت مک‌گورک، هماهنگ‌کننده امور خاورمیانه در کاخ سفید به نمایندگی از آمریکا، عباس کامل، رئیس اطلاعات مصر، دیوید بارنیا، رئیس موساد، رونن بار، رئیس شین‌بت و سرلشکر نیتزان آلون از اسرائیل و محمد عبدالرحمن، نخست‌وزیر قطر حضور داشتند.

از گزارش‌ها و اخبار چنین برمی‌آید که این دور از مذاکرات بدون حصول پیشرفتی فوری پایان یافته است، گرچه شرکت‌کنندگان به‌ویژه نمایندگان دولت بایدن با خوش‌بینی بر ضرورت تداوم گفت‌وگوها در هفته آینده در پایتخت مصر تأکید کردند. از نظرگاه مقامات سه دولت آمریکا، قطر و مصر مذاکرات در دوحه «جدی»، سازنده و در فضایی مثبت» انجام شده است. در بیانیه مشترک این سه کشور آمده که مقامات ارشد مذاکره‌کننده هفته آینده در قاهره، پایتخت مصر، به امید نهایی کردن توافق براساس شرایط تعیین شده در قطر گرد هم می‌آیند. افزون بر این و تا برگزاری دور بعدی مذاکرات، مقامات در سطحی پائین‌تر جزئیات فنی چگونگی برقراری آتش بس را بررسی خواهند کرد.

گفته آمد که این دور از مذاکرات براساس طرح پیشنهادی جو بایدن در ماه می برگزار شد. در آن روز رئیس‌جمهور آمریکا در تبیین طرح پیشنهادی خود، از ضرورت پایان جنگ در غزه سخن به میان آورد و برای نیل بدین مقصود، طرحی را با هدف دستیابی به آتش بس دائمی در غزه عرضه کرد. وی

کلام شرکت‌کنندگان به منزله کوششی برای «پل زدن» بین خواسته‌های طرفین برگزار شد. به گفته ناظران، پیشنهاد آمریکا به حماس و اسرائیل می‌تواند «شکاف‌های باقی‌مانده موجود را پوشش داده» و بستری مساعد برای توافق نهایی فراهم کند. در پایان این دور از مذاکرات، ایالات متحده آمریکا، قطر و مصر در بیانیه‌ای مشترک از دستیابی به طرحی جدید برای برقراری آتش بس در غزه خبر دادند، گرچه هنوز جزئیاتی از این طرح منتشر نشده است. نمایندگان این سه کشور با طرح این ادعا که پیشنهاد جدید در پی رفع اختلافات و پرکردن شکاف‌های موجود در خواسته‌های دو طرف است، ابراز امیدواری کردند که در هفته آتی به توافقی برای آتش بس، مبادله زندانیان و آزادی گروگان‌ها دست یابند. وزرای خارجه بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا نیز در بیانیه‌ای مشترک روز شنبه از همه طرف‌ها خواستند تا با شیوه‌ای «مثبت و انعطاف‌پذیر» در مذاکرات شرکت کنند. در این بیانیه آمده است که «ما بر اهمیت اجتناب از هرگونه اقدام تشدیدکننده تنش در منطقه که چشم‌انداز صلح را تضعیف می‌کند، تأکید می‌کنیم». جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در واکنش به نتایج مذاکرات دوحه گفت: «اکنون بیش از هر زمان دیگر به توافق نزدیک هستیم». البته آمریکا در ابراز خوش‌بینی نسبت به این دور از مذاکرات تنها نیست، برخی مقامات کشورهای عربی نیز با آمریکا هم‌نظر هستند. یکی از مقامات مصری حاضر در مذاکرات نیز در پایان گفت‌وگوهای دوحه این چنین ابراز امیدواری کرد: «من در مقایسه با هر زمان دیگری امیدوارتر هستم. آمریکایی‌ها و طرف‌های درگیر بیش از هر کس دیگری به دنبال آتش بس و انجام توافق نهایی هستند». مذاکرات دوحه که به گفته مقامات آمریکایی نسبت به گفت‌وگوهای قبلی سازنده‌تر بوده است عمدتاً بر جزئیات تبادل گروگان‌ها با اسرای فلسطینی متمرکز شده بود. قرار است در روزهای آینده مقامات در سطوحی پائین‌تر با بررسی جزئیات توافق، «حلقه‌ای اجرایی» را برای نظارت بر مفاد این توافق از جمله آزادی گروگان‌ها و تبادل اسرا تشکیل دهند. در بیانیه آمده است، مقامات ارشد «با هدف منعقد کردن توافق تحت شرایطی که امروز ارائه شده است» در قاهره تشکیل جلسه خواهند داد؛ در راستای تحقق همین پیش‌بینی، بایدن روز جمعه با رهبران قطر و مصر گفت‌وگو

در تبیین ضرورت این طرح تصریح کرد: «اکنون لحظه‌ای تعیین‌کننده است. اسرائیل پیشنهاد خود را عرضه کرده است. حماس می‌گوید خواستار آتش بس است. این توافق محکی است برای اثبات اینکه آیا آن‌ها واقعاً آتش بس را می‌خواهند یا خیر.» این طرح که ابتدا از سوی اسرائیل پیشنهاد شده بود به کلام بایدن، یک «پیشنهاد جدید جامع» و به منزله نقشه راهی برای حصول «آتش بس پایدار» است. طرح پیشنهادی چهارمین صفحه‌ای اسرائیل، سه مرحله اصلی را در برمی‌گرفت: اولین مرحله با آتش بس تقریباً شش هفته‌ای، عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از مناطق پر جمعیت غزه و آزادی گروگان‌های سالخورده و زن که در دست حماس هستند در برابر آزادی صدها زندانی فلسطینی آغاز می‌شود. با وجود این، به گفته بایدن برای رفتن به مرحله بعدی توافق، هنوز جزئیاتی وجود دارد که باید محل مذاکره قرار گیرند؛ از جمله اینکه، در برابر آزادی هر گروگان اسرائیلی قرار است چه تعداد فلسطینی آزاد شود. در مرحله دوم، تمامی گروگان‌های اسرائیلی از جمله سربازان مرد آزاد خواهند شد. تمام خصومت‌ها پایان می‌یابد و تمامی نیروهای اسرائیلی از غزه عقب‌نشینی خواهند کرد. پیش از این تانیاهاو عقب‌نشینی کامل از غزه را با توجیه امکان احیای مجدد حماس رد کرده بود. اینکه بعد از خروج نیروهای اسرائیلی چه گروهی بر غزه حکومت خواهد کرد در این طرح به صراحت مورد توجه قرار نگرفته، گرچه برخی مقامات آمریکایی، تشکیلات خودگردان فلسطینی را جانشین حماس در غزه می‌دانند. در مرحله سوم، گروگان‌هایی که جان باخته‌اند مبادله می‌شوند، غزه او بر داری و دوره بازسازی سه تا پنج ساله با حمایت ایالات متحده آمریکا، اروپا و نهادهای بین‌المللی آغاز خواهد شد. بایدن مدعی شد اگر حماس به تعهدات خود عمل کند، آتش بس موقت، به «توقف دائمی خصومت‌ها» تبدیل خواهد شد. مقامات آمریکایی بر این باورند که بیش از همه این دیدار ویلیام برنز رئیس سازمان سیا با دیوید بارنیا، رئیس موساد، در پاریس بود که زمینه را برای انجام این توافق فراهم کرد. گرچه این طرح ابتدا از سوی خود مقامات اسرائیلی پیشنهاد شد اما در ادامه چالش بر سر برخی موضوعات، حصول توافق نهایی را ناممکن کرد. مذاکرات دوحه با هدف رفع اختلافات، پر کردن شکاف‌های موجود و به

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



سیاست واقعی در قبال ایران

**فرید زکریا**

تحلیلگر سیاسی

خاورمیانه امروز بیش از هر زمان دیگری به یک جنگ گسترده منطقه‌ای نزدیک شده است. توضیحات زیادی برای وقوع این رخداد وجود دارد. اما نیرویی وجود دارد که بر همه توضیحات سایه افکنده و آن ایران است. ایران به این نتیجه رسیده است که از طریق یک رویکرد تهاجمی بر ضد واشنگتن و متحدانش در منطقه، به جای آنکه چیزی از دست بدهد، چیزهای زیادی به دست خواهد آورد. این واقعیت جدید و خطرناک پیش از هر چیز از یک فاکتور ناشی می‌شود و آن از هم پاشیدن هرگونه سیاست منسجم آمریکا در قبال ایران است. شکست رویکرد فعلی آمریکا را با دقت در نظر بگیرید. از زمانی که دونالد ترامپ در ماه مه سال ۲۰۱۸ از توافق هسته‌ای خارج شد، سیاست آمریکا اعمال فشار حداکثری بر ایران بوده است. تعداد تحریم‌های وضع شده علیه ایران از ۳۷۰ تحریم در دولت باراک اوباما به ۱۵۰۰ تحریم در دولت ترامپ افزایش یافت و ایران به تنها کشوری در جهان تبدیل شد که بیشتر تحریم‌ها را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، طرف‌های دیگر حاضر در مذاکرات هسته‌ای یعنی قدرت‌های اروپایی، روسیه و چین مخالف این اقدام آمریکا بودند اما آمریکا با استفاده از تحریم‌های ثانویه مانع از تجارت این کشورها با ایران شد. دولت بایدن هم عمدتاً سیاست ترامپ را با تغییرات و تعدیلاتی اندک ادامه داده است و نتیجه سیاست فشار حداکثری ترامپ و بایدن در قبال ایران چه بوده است؟ ایران که از محدودیت‌های توافق هسته‌ای رها شده، پیشرفت زیادی در برنامه هسته‌ای خود صورت داده است. امروز ایران بر اساس اعلام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حجم ذخایر اورانیومی بالغ بر سه برابر حد مجاز بر جام در اختیار دارد. توافق هسته‌ای فاصله ایران تا ساخت بمب را به یک سال رسانده بود. در ماه جولای، آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد که این زمان امروز به یک یا دو هفته رسیده است. در همین حال، ایران با ایجاد روابط نزدیک با تعدادی از گروه‌های غیردولتی در منطقه یعنی حزب‌الله لبنان و حماس و حوثی‌ها و برخی شبه‌نظامیان در سوریه و عراق، با فشارهای آمریکا پاسخ داده است. این محور مقاومت در کتا یکدیگر اسرائیل را وارد طولانی‌ترین و خطرناک‌ترین جنگ خود در دهه‌های اخیر کرده و مسیر هفتاد درصد حمل و نقل دریایی را از دریای سرخ منحرف کرده‌اند. با هر متر معیاری، سیاست واشنگتن در قبال ایران شکست خورده است. چرا سیاست فشار حداکثری جواب نداده است؟ رژیم تحریم‌های گسترده تأثیرات منفی‌ای بر زندگی طبقه متوسط ایران داشته و موجب شده تا آنها اعتقاد خود را به سیاست‌مداران اصلاح‌طلبی که از دور جدیدی از دیپلماسی حمایت می‌کنند از دست بدهند. تندروهای ایران به خروج آمریکا از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ استناد می‌کنند تا نشان دهند که آنها تمام مدت حق داشته‌اند که مذاکرات را یک فریب بخوانند. تندروها درها را به روی سرمایه‌گذاران چینی باز کرده‌اند. حتی وقتی مسعود پزشکیان اصلاح‌طلب در انتخابات پیروز شد همچنان مجبور بود تا به نظام سیاسی، مذهبی و نظامی که قدرت واقعی را در اختیار دارد امتیاز بدهد. واقعیت این است که برای حدود یک دهه، واشنگتن نگاه خاصی در قبال ایران داشته است و آن نگرش عاری از استراتژی بوده است. اوباما امیدوار بود که با محدود کردن قدرت ایران، این کشور در نهایت در منطقه کمتر تهاجمی عمل می‌کند. کارشناسان اتفاق نظر دارند که ایران تقریباً به طور کامل به توافق هسته‌ای پایبند بود. البته فعالیت‌های منطقه‌ای ایران بخشی از توافق هسته‌ای نبود. آیا توافق هسته‌ای می‌توانست مبنایی برای تقاضای میان ایران و آمریکا بر سر منطقه شود؟ هیچ‌کس نمی‌تواند مطمئن باشد. اما دولت بایدن می‌توانست این مسیر را تغییر دهد اما نگران بود که چنین کاری موجب ایجاد واکنشی بیش از اندازه از سوی جمهوری خواهان شود. اما مشکل این است که رویکرد فعلی تبدیل به استراتژی نمی‌شود. واقعیت این است که ایران وجود خارجی دارد و باید به عنوان یک واقعیت پذیرفته شود. آمریکا و متحدانش نیازمند سیاستی در قبال ایران هستند که واقعیت ایران را به رسمیت بشناسد. براساس این سیاست می‌توان از تهدید و مجازات‌هایی برای ایجاد بازآرندگی در مقابل ایران استفاده کرد و در عین حال مشوق‌هایی را برقرار کرد تا ایران دلیل موجهی برای کاهش تنش‌ها داشته باشد.